

اقتصاد اُتریشی

په زبان ساده

سرشناسه	: کوین، کریستوفر. جی.، ۱۹۷۷-م. -Coyne, Christopher J., 1977
عنوان و نام پدیدآور	: اقتصاد اتریشی به زبان ساده / کریستوفر جی. کوین، پیتر جی. بوئکه؛ مترجم: محمد جوادی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ص؛
شابک	: 978-622-7326-15-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Essential Austrian Economics, 2020.
موضوع	: مکتب اقتصادی اتریش -- Austrian school of economics
شناسه افزوده	: بوئکه، پیتر. جی.، ۱۹۶۰-م. -- Boettke, Peter J., 1960
شناسه افزوده	: جوادی، محمد، ۱۳۶۲-، مترجم
رده بندی کنگره	: HB۹۸
رده بندی دیویی	: ۳۳۰/۱۵۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۴۴۰۲۹۷

اقتصاد اُتریشی

بہ زبان سادہ

کریستوفر جی. کوین

پیٹر جی. بوتکہ

مترجم: محمد جواد



© Nashr-e-Amareh, MMXXIII



نشرآماره

عنوان کتاب: اقتصاد اتریشی به زبان ساده
نویسندگان: کریستوفر. جی. کوین و
پیتر. جی. بوئکه
مترجم: محمد جوادی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۶-۱۵-۴
نوبت چاپ: سوم تاریخ چاپ: ۱۴۰۲
تیراژ: ۳۰۰ نسخه
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم،
جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشرآماره
ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

Title: The Essential Austrian Economics
by Christopher J. Coyne and Peter J.
Boettke
Translator: M. Javadi
ISBN: 978-622-7326-15-4
The 3rd Edition Published: 2023
Circulation: 300 impression
No portion of this book may be
reproduced, by any process or technique,
without the express written consent of
the publisher (Amareh Press)
The views expressed in this book
represent those of the individual Authors
and Editors. These views do not
necessarily reflect endorsement by the
Publisher (Amareh Press)
© ALL RIGHTS RESERVED: for the
Amareh Press

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های
پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت درستی آن
به عهده‌ی ایشان می‌باشد
© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشرآماره
محفوظ است

دفتر نشر و پخش آماره: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴
تلفن ۴۳۹۱-۸۷۶-۰۹۳۶

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب سایت نشرآماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

به

جعفر خیر خواهان

فهرست مندرجات

۹.....	مقدمه مترجم
۱۷.....	فصل اول. تاریخ اقتصاد اُتریشی و تفکر مارژینالیستی
۲۷.....	فصل دوم. اصول روش شناسی
۴۱.....	فصل سوم. محاسبات اقتصادی
۵۵.....	فصل چهارم. سرمایه و ساختار تولید
۶۷.....	فصل پنجم. فرآیند بازار
۷۱.....	شرح اصول کلیدی
۸۳.....	فصل ششم. نظم خودجوش
۹۷.....	فصل هفتم. مداخله گرایی
۱۱۱.....	فصل هشتم. ادوار تجاری
۱۲۵.....	فصل نهم. مسئله برنامه ریزی و قدرت
۱۳۸.....	فصل دهم. اقتصاد اُتریشی؛ دیروز و امروز
۱۴۳.....	پیشنهاداتی برای مطالعه بیشتر
۱۴۹.....	درباره نویسندگان
۱۵۳.....	سپاسگزاری
۱۵۳.....	سپاسگزاری ناشر
۱۵۴.....	اطلاعات انتشار
۱۵۵.....	حمایت از مؤسسه فریزر
۱۵۷.....	اهداف، تأمین مالی و استقلال عمل
۱۵۹.....	درباره مؤسسه فریزر

- اصالت و دقت پژوهش ۱۵۹
- مشاوران هیئت تحریریهٔ موسسه فریزر ۱۶۱
- یادداشت‌های مترجم ۱۶۳

مقدمه مترجم

ما با خطاهایمان می‌آموزیم و نه با نبوغ‌مان.

همه ما تجربه کرده‌ایم که خرید و فروش‌هایمان همیشه درست نبوده‌اند. گاهی چیزی را می‌فروشیم و بعداً معلوم می‌شود که نباید می‌فروختیم. یا گاهی چیزی را می‌خریم و بعداً معلوم می‌شود که نباید می‌خریدیم. دانشکده‌های اقتصاد هم همین تجربه را در مورد مکتب اُتریشی اقتصاد از سرگذرانده‌اند. مکتب اُتریشی اقتصاد از حوالی ۱۸۷۰ میلادی، علیرغم این که ریشه‌های تاریخی عمیق‌تری تا چند قرن قبل از آن دارد، رسمیت یافت. شاید ساده‌ترین تعبیر احیای مجدد مکتب اُتریشی اقتصاد همین باشد؛ این که اهالی اقتصاد چیزی را در دهه ۱۹۳۰ میلادی فروختند که نباید می‌فروختند و چیزهایی را خریدند که نباید می‌خریدند. اعطای کرسی‌های دانشگاهی و مناصب دولتی به اقتصاددانان متمایل به سوسیالیسم و کینزینیسم و نادیده گرفتن آموزه‌های ژرف مکتب اُتریشی که از اواخر قرن نوزدهم تا آن روزها به عنوان یکی از اصلی‌ترین ستون‌های دانش اقتصادی قلمداد شده بود، به گواه تاریخ اقتصاد مبادله‌ای سراسریان و خسارت بود.

ظاهراً از خطاهایمان آموخته‌ایم.

گرایش روزافزون طیف‌های گوناگونی از دانش‌آموزان، دانشجویان، صنعتگران، مهندسان و اهالی کسب و کار به آموزه‌هایی که در ۱۵۰ سال گذشته از سوی دوران‌دیش‌ترین اقتصاددانانی که می‌شناسیم ترویج شده‌اند، از سال‌های ۷۵- ۱۹۷۳ میلادی دوباره آغاز شد. این دوره اغلب به دو دلیل عمده، دورهٔ تجدید حیات مکتب اتریشی اقتصاد محسوب می‌شود. نخست به دلیل این که جایزه نوبل در سال ۱۹۷۴ میلادی به فریدریش فون هایک اهدا شد و پس از آن گرایش عمومی به آشنایی با آرای هایک افزایش یافت. دوم این که سال ۱۹۷۴ میلادی به دلیل برگزاری کنفرانس اقتصاد اتریشی در رویالتون جنوبی ورمونت در خاطرۀ هواداران مکتب اتریشی جایگاه خاصی دارد. برای انتخاب این دوره، دلیل سومی نیز وجود دارد. در سال ۱۹۷۳ میلادی، کرزنر کتاب «رقابت و انتروپرنرشیب» را منتشر کرد که بیشترین نفوذ را برابیده‌های اصلی احیای مکتب اتریشی داشت.

اما چرا مکتب اتریشی دوباره به کانون توجه تبدیل شد؟

تاریخ اقتصاد، شکست سیاست‌های کینزی در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی را به روشنی به یاد می‌آورد. استقبال گرم و روزافزون از تئوری‌های کینزی فقط حدود سه دهه دوام آورده بود و اقتصاددانانی که تصوّر کرده بودند همهٔ آمال و آرزوهایشان به

سهولت دست‌یافتنی خواهد بود، هم‌زمان با بروز تورم‌های بزرگ، بیکاری فزاینده و رکود عمیق که اقتصاددانان مکتب اُتریشی بارها در مورد آن هشدار داده بودند، روزهای ناخوشایندی را سپری می‌کردند. تعداد زیادی از کینزین‌ها متوجه خطاهای فکری‌شان شدند ولی عده‌ای هنوز تلاش می‌کردند که باورهایشان را حفظ و ترویج کنند. این تلاش‌ها نتوانستند کاری از پیش ببرند، زیرا اهالی اقتصاد خیلی زود با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روبرو شدند. رویدادی که فقط اقتصاددانان مکتب اُتریشی انتظار آن را داشتند و مدت‌ها بود که از وقوع آن خبر داده بودند. سایر اهالی اقتصاد بعد از جنگ دوم جهانی به شدت مقهور تئوری‌های چپ‌گرا و متمایل به برنامه‌ریزی مرکزی شده بودند و حتی پل ساموئلسون، اقتصاددان شهیر و برنده جایزه نوبل، پیش‌بینی کرده بود که شوروی با سرعت به بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد. در واقع اقبال مجدد به بازار آزاد از همان اوان آشکار شدن ناکارآمدی کینزینیسم آغاز شده بود ولی فروپاشی شوروی بار دیگر توجه همه اهالی اقتصاد را به سوی مکتب اُتریشی اقتصاد و به‌ویژه لودویگ فون میزس جلب کرد.

میزس بحث‌های پُرشور و قدرتمندی را در مورد «امکان‌ناپذیری محاسبات سوسیالیستی» مطرح کرده بود ولی آن مباحث با بی‌مهری اهالی اقتصاد، نادیده گرفته شده بودند. اکنون که پیش‌بینی تلویحی وی در مورد فروپاشی سوسیالیسم

محقق شده بود، بار دیگر کتاب‌ها و نوشته‌های او کانون توجه واقع شدند. فاصله بین احیای مکتب اتریشی و فروپاشی شوروی کمتر از دو دهه بود ولی تعداد زیادی از دانشجویان توانسته بودند در همین فاصله کوتاه، آموزه‌های اتریشی را به جامعه معرفی کنند و گرد و غبار زمان را از چهره آن‌ها پاک کنند. موج جدید اقتصاددانان اتریشی مایل بودند که پژوهش‌های خود به پیش‌بینی دیگر میزس اختصاص دهند: فروپاشی نظام‌های مبتنی بر پول‌های دولتی و دستوری در راه است.

مکتب اتریشی در ایران نیز کمابیش بعد از دوره احیا شناخته شد. خطوط کلی فراز و نشیب مکتب اتریشی را می‌توان با مسامحه از سال ۱۸۷۱ میلادی که کتاب «اصول علم اقتصاد» کارل منگر منتشر شد، آغاز کرد و تا اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی که پیروزی‌های اویگن فون بوم‌باورک در نقد مارکس شهرت جهانی داشتند، مکتب تاریخی آلمان عرصه را به تفکرات بازار آزاد واگذار کرده بود و مباحثات گوناگونی توسط میزس و هایک با سوسیالیست‌ها و کینزین‌ها در جریان بود، امتداد داد. مکتب اتریشی در این دوره کمابیش رو به رشد بود و در کانون توجه اهالی اقتصاد در اروپا و آمریکا قرار داشت. ظهور کینزینیسم و گرایش به سوسیالیسم از اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی باعث شد که مکتب اتریشی به حاشیه رانده شود و این دوره فترت تا سال ۱۹۷۴ میلادی ادامه یابد؛ و بعد از این سال مجدداً شاهد رونق بازار مکتب اتریشی در ترویج بازارهای رقابتی هستیم. در ایران نیز

بعد از سال ۱۹۷۴ میلادی، توجه اقتصاددانان به آموزه‌های مکتب اُتریشی جلب شد و این آغاز گرایش اقتصاددانان ایرانی به مکتب اُتریشی بود. هر چند در سال‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷ هجری شمسی، دانشکده‌های اقتصادی ایران نیز در تبعیت از جریان اصلی علم اقتصاد به آموزش آموزه‌های کینزی و نئوکلاسیک مشغول بودند ولی در هر حال بسیاری از پژوهشگران و اساتید دانشگاه به سایر مکاتب اقتصادی نیز التفات زیادی داشتند. بعد از اتمام جنگ در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی، بار دیگر اقتصاددانان ایرانی فرصت یافتند تا اهمیت استفاده از فرآیند بازار در اقتصاد را ترویج کنند ولی اقتضانات فضای اقتصاد سیاسی مجال و میدان عمل زیادی در اختیار ایشان قرار نداد. از حوالی سال ۱۳۸۵ هجری شمسی اقتصاددانان ایرانی نظیر مرحوم دکتر فریدون تفضلی و دکتر موسی غنی‌نژاد همزمان با تشدید گرایش دانشجویان به آموزه‌های مکتب اُتریشی، تألیفاتی در این زمینه منتشر کردند و به ترجمه برخی آثار اقتصاددانان متقدم اُتریشی پرداختند و در دهه بعد تعداد کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر نوشته‌های مرتبط در مطبوعات و ... به سرعت رو به فزونی گذاشت. امروزه افزون بردانشجویان اقتصاد، شاهد گرایش طیف‌های بیشتری از دانشجویان علوم انسانی و مهندسی، فعالان کسب و کار خصوصی و به‌ویژه بازارهای مالی، طلبه‌های مذهبی و سایر علاقمندان مباحث اقتصادی به آموزه‌های مکتب اُتریشی هستیم.

این کتاب اصول بنیادین و اساسی مکتب اتریشی را به زبان ساده و روان بیان کرده است. مطالعه آن نیازمند آشنایی با هیچ شاخه‌ای از علم اقتصاد نیست و برای همه علاقمندان اقتصاد مناسب است. آشنا کردن مخاطب غیرحرفه‌ای با کلیات آموزه‌های مکتب اتریشی ابداً کار ساده‌ای نیست ولی نویسندگان به شایستگی از عهده آن برآمده‌اند. ممکن است خواننده پس از اتمام مطالعه کتاب به خودش بگوید، برخی نکات بیش از حد تکرار شده‌اند، «من همه این‌ها را می‌دانستم» و نوشتن چنین کتابی نباید زحمت زیادی داشته باشد. تجربه نگارنده این سطور حاکی از آن است که نوشتن چنین کتابی را می‌توان با صعود به قلّه‌ای که در ظاهر خیلی ساده و سهل به نظر می‌رسد مقایسه کرد. در واقع، آن صعود بسیار دشوار است و می‌توان آن را با عبارت «سهل و ممتنع» توصیف کرد؛ به عنوان مثال، یک دانشجو برای این که آموزش کافی برای تسلط به همه وجوه مکتب اتریشی اقتصاد دریافت کرده باشد، اغلب تا پایان دوره دکتری به تحصیل خود ادامه می‌دهد. فلذا باید توجه داشت که گرچه مباحث مقدماتی اقتصاددانان مکتب اتریشی برای همگان ملموس و قابل درک است، ولی تکمیل و تعمیق همان مباحث به زمان بیشتری نیاز خواهد داشت.

به طور خلاصه می‌توان گفت آموزه‌های مکتب اتریشی تلاش می‌کنند تا دانسته‌های تجربی افراد را به نحوی مرتب کنند و در یک ساختار منسجم سامان دهند که افراد بتوانند با مشاهده

فضای اقتصاد سیاسی و اتمسفر فتنی کسب و کار، به سادگی گره‌ها و پیچیدگی‌های تحلیل اوضاع اقتصادی را بگشایند. بدیهی است افزودن ابزارهای ریاضیاتی و محاسباتی در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و علاقمندان می‌توانند بنا به نیازهایشان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از ابزارهای مناسب استفاده کنند؛ فلذا تشریح قواعد جهان‌شمول‌کنش جمعی و اقتصادی نخستین چیزی است که می‌توان از آموزه‌های مکتب اُتریشی انتظار داشت. بی‌تردید کاربرد این قواعد جهان‌شمول در زمان‌ها و مکان‌ها و فرهنگ‌های مختلف در جوامعی که تاریخ و بستر نهادی متفاوت دارند، برای هر‌کنش‌گر فردی دلالت‌هایی خواهد داشت که مختص درک همان فرد است. چنین رویکردی با رویکرد انتزاعی و مکانیکی اقتصاد نئوکلاسیک به انسان اقتصادی تفاوت بسیاری دارد.

هر چه در نسخه ترجمه فارسی کتاب از نظر خوانندگان می‌گذرد، پاراگراف به پاراگراف و جمله به جمله با متن انگلیسی در تطابق است مگر عباراتی که از سوی مترجم برای توضیح بیشتر در قلاب [] و با قلم کوچک‌تر به آن‌ها افزوده شده است.

باید از خانواده‌ام سپاسگزار باشم که فرصت کارکردن روی این کتاب را فراهم کردند. همچنین از آقایان پویا سیدی و سهیل مختاری برای دقت نظرشان در تصحیح متن سپاسگزارم. آقای فرهاد نوع‌پرست منت بزرگی برای فراهم کردن امکان چاپ کتاب در انتشارات آماره بر من دارند. قدردان همه عزیزانی هستم که

اقتصاد اتریشی

نظرات خود را در مورد این کتاب به نشانی
RAVARA7@GMAIL.COM می‌فرستند.

محمد جوادی

زمستان ۱۳۹۹

فصل اول .

تاریخ اقتصاد اُتریشی و تفکر

مارژینالیستی

نیازهای انسان و اقدامات ارادی او برای ارضای آن‌ها، نقطه‌ای است که زندگی اقتصادی انسانی در آن شروع می‌شود و همچنین در آن خاتمه می‌یابد.

کارل منگر (۱۸۷۱/۱۹۸۱، اصول علم اقتصاد: ۱۰۸)

انتشار کتاب «اصول علم اقتصاد»^۱ از کارل منگر^۲ در سال ۱۸۷۱ میلادی را می‌توان نقطهٔ آغاز اقتصاد اُتریشی دانست.^۱ کارل منگر از اتریش، ویلیام استنلی جُونز^۳ از بریتانیا و لئون والراس^۴ از سوئیس را به‌طور مشترک به‌عنوان بنیان‌گذاران انقلاب مارژینالیستی^۵ در اقتصاد می‌شناسند. انقلاب مارژینالیستی

¹ Principles of Economics

² Carl Menger

³ William Stanley Jevons

⁴ Léon Walras

⁵ Marginal revolution

یک پارادایم جدید بود که نظریه ارزش مبتنی بر مطلوبیت نهایی^۱ را به جای نظریه ارزش کار^۲ نشانده. ارزش هر کالا براساس نظریه ارزش کار تابعی از مقدار نیروی کار مورد نیاز برای تولید آن است. اما مارژینالیست‌ها معتقد بودند که ارزش هر کالا براساس نیروی کار صرف شده برای تولید آن تعیین نمی‌شود بلکه به این بستگی دارد که افراد آن کالا را تا چه حد در ارضای اهداف و نیازهای خود سودمند می‌پندارند.

این انقلاب برای اقتصاددانان حاوی دلالت‌های بنیادینی در فهم جهان بود. دلیل قیمت بالای یک کامپیوتر این نیست که تولید آن ساعات زیادی [از فعالیت نیروی کار] طول می‌کشد بلکه مصرف‌کنندگان به دلیل سودمندی کامپیوتر در دسترسی به اهداف‌شان است که این قیمت بالا را برای آن تعیین کرده‌اند؛ و نیز این ارزش‌گذاری کامپیوتر توسط مصرف‌کنندگان به نوبه خود روی ارزش نهاده‌هایی (نظیر نیروی کار و مواد خام) که در تولید کامپیوتر مورد استفاده قرار می‌گیرند اثر خواهد گذاشت. بنابراین ارزش‌گذاری مصرف‌کنندگان است که در نهایت قیمت [کالاها] را تعیین می‌کند و نه میزان زحمت و تلاشی که صرف تولید [آن کالاها] شده است؛ اما چه چیزی ارزش‌گذاری خود مصرف‌کنندگان را تعیین می‌کند؟

¹ Marginal utility theory of value

² Labour theory of value